

ادامه از صفحه اول

صیانت از آرای مردم رویکرد اصلی وزارت ارشاد

نمی توانند به برنامه تبدیل شوند. این موضوع وقتی به حوزه فرهنگ و هنر تعمیم داده شود، هم به دلیل ماهیت پیچیده موضوع، تاثیر و تاثرات درازمدت و هم بهدلیل تکثر دیدگاهها، گسترده‌گی و تنوع نیروهای مدعی و موثر در این حوزه ابعاد پیچیده‌تری به خود می گیرد.

دولت یازدهم، از زمان استقرار، با مجموعه زیادی از مطالبات فرهنگی و هنری مواجه شد که بخشی از آن ناشی از عملکرد دولت پیشین و بخشی از آن ناظر به وعده‌های دوران رقابت انتخاباتی بود؛ وعده‌هایی که وجوه عینی مشخص‌تر و روشن‌تری داشتند، امکان تحقق بیشتری یافتند؛ مانند بازگشایی خانه سینما اما برخی وعده‌ها نه‌تنها کمتر جنبه روشن عملی داشتند یا تا تعدد مراکز تصمیم‌گیری روبه‌رو بودند حتی از حیث ادبیات نیز با تعدد دریافت و فهم از موضوع مواجه بودند. از جمله این موضوعات می‌توان به موضوع ممیزی در حوزه نشر و کتاب اشاره کرد؛ موضوعی که اساسا از همان ابتدا و در واژگان اولیه نیز تفاوت‌های جدی بین صاحب‌نظران را موجب می‌شود. اما آنچه در صحنه عمل سیاسی و اجتماعی مهم است، برداشت و رویکرد دولت، به این موضوع است.

رییس‌جمهور، در جمع هنرمندان با اشاره به موضوع فوق‌الذکر صراحتا اعلام کرد: «این دولت قصد ندارد ممیزی را در فرهنگ و هنر به‌صورتی که مانع کار هنرمندان باشد، ادامه دهد. ممیزی باید در چار چوب قانون و هدفمند باشد.» این تاکید دکتر روحانی، در حالی صورت گرفت که یکی از انتقادات مطرح به دولت گذشته، بحث سانسور و عدم اعطای مجوز به کتاب‌ها بوده است و در این میان، مدیران معاونت سابق فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیش از همه مورد انتقاد جدی بودند. حال که پس از استقبال فعالان فرهنگ و هنر از سخنان رییس‌جمهور، درخواست انتصاب برخی مدیران منصوب به دولت گذشته انتقاداتی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم، از سوی برخی از فعالان فرهنگی و هنری به گوش می‌رسد، یادآوری و توجه به چند نکته ضروری می‌نماید.

نخست باید توجه داشت‌ که اصل ممیزی، یک امر و حق حاکمیتی است که از سوی مردم به دولت برای صیانت از ارزش‌ها و اخلاق جامعه واگذار شده است، بنابراین در نزد مدیران و حاکمان به نظر می‌رسد در اصل ممیزی مشکل چندانی نباشد. اما ممیزی سلیقه‌ای و مبتنی بر نگرش سیاسی و به‌دور از واقعیات جامعه که با اعمال زور و با استفاده از قدرت فراقانونی و احتمالا قوه قهریه نابجا صورت می گیرد که جنبه سانسور داره، نه در دولت یازدهم و نه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، قابل‌قبول نبوده و چنین برداشتی نیز نه در سخنان رییس‌جمهور محترم و نه در سخنان وزیر محترم دیده نمی‌شود. اصل ممیزی برای پادشاست ارزش‌های مردم در نه نظام مرمسالاری‌ای وظیفه مهم و بسیار ضروری دولت است. اما ممیزی باید شفاف، قانونی و دقیق باشد. همچنین ممیزی باید مبتنی بر سازو کارهای بر خاسته از اصول مرمسالاری باشد، نه مبتنی بر سلیقه عده‌ای قلیل که از سوی آراء عمومی نیز طرد می شوند

با وجود برخی دیدگاه‌های منتقد در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت یازدهم، کتاب‌های بسیاری در حوزه‌های مختلف، مجوز نشر گرفتند؛ کتاب‌هایی که منع قانونی نداشتند اما به استناد نگاهی خالص و سلیقه‌ای، برخی از آنان در دولت‌های پیشین، در مسیر ارزایی دجار مشکلاتی شده و درنتیجه در روند مجوز نشر، کندی یا توقفی صورت گرفته بود.

آنچه که تلاش شده است در وزارت فرهنگ و ارشاد دولت یازدهم محقق شود، تصحیح روندها و فرآیندهای اجرائی و نظارتی است؛ با توجه به حضور صریح، شفاف بوده و امکان رصد آن برای نهادهای مدنی و سازمان‌های سیاسی مهیا باشد. در عین حال قطعا بسیاری از منتقدان از هر دو جناح اصلی سیاسی کشور، بر این باور هستند که نمی‌توان افراد را به‌واسطه حضورشان در یک دولت، یا همسویی با یک تفکر، تا آخر عمر از حضور در عرصه‌های تخصصی محروم کرد. ضمن آنکه برای فهم تلخ پدیده نباید فقط به نتیجه توجه داشت. شاید فضای موجود، سیاست‌های حاکم بر نگاه فرهنگی دولت یا عوامل دخیل دیگر در آن دوره خاص، موثرتر یا قوی‌تر از توان تاثیر گذاری افراد یا حتی یک وزارتخانه بوده‌اند که به چنین برآیندی منجر شده بود؛ موضوعی که نیاز جدی به بررسی عمیق‌تر دارد. با وجود این، عملکرد یک سیستم، قطعا نفای مسوولیت مجریان نیست، به‌ویژه کسانی که در ترویج سیاست‌ها نیز نقش جدی داشته‌اند. در بحث انتصابات اخیر در حوزه کتاب نیز، با توجه به آنکه معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که خود از افراد صاحب اندیشه و فکر در حوزه فرهنگ است، با اشراف به موضوعات و ارتباطات گسترده فرهنگی، حتما به ملاحظاتیک که برخی از منتقدان مطرح می‌کنند، توجه داشته و در نهایت بنا به مصالحی، چنین تصمیم مدیریتی‌ای را اتخاذ کرده است، این حق قانونی و حداقل اختیار یک مدیر است که بتواند همکارانش را خود برگزیند. اما پدیدهی است فارغ از آنکه چه کسی، با چه نگرشی و چه سابقه‌ای، در مسوولیتی در این دولت قرار گرفته، فقط و فقط باید مجری سیاست‌های دولت فعلی باشد. صیانت از آرای مردم فقط به حفظ آرای آنها در زمان انتخابات نیست بلکه به پادشاست و احترام به نگرش‌هایی که به برنامه‌های دولت جدید رای داده‌اند نیز مربوط می‌شود. اتفاقا صیانت از آرای پس از پایان انتخابات بسیار مهم‌تر از زمان انتخابات است. با چنین رویکردی است که در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صیانت از آرای مردم، مهم‌ترین اصل است و وزیر محترم با ارایه برنامه‌های خود در زمان اخذ رای اعتماد از مجلس، این اعتقاد خود را به‌روشنی بیان کرده و مدیران مجموعه، به‌عنوان کارگزاران دولت، قطعا به این عهد وفادار بوده و اجازه نخواهند داد که به این امید و اعتماد عمومی و به این راه برگزیده، خدشهای وارد شود.



انتظار ۱۰ ساله به‌سر آمد و سرانجام فیلم «رستاخیز» به کارگردانی احمدرضا درویش صبح ۱۶ بهمن‌ماه در کاخ جشنواره برای اهالی رسانه به نمایش درآمد. فیلم، درباره واقعه عاشورااست که با همراهی بکیر (فرزند حربن یزیدریاحی) به قیام حسین‌بن‌علی و متن حوادث واقعه عاشورا می‌پردازد و مقطع زمانی مرگ معاویه تا قیام امام سوم شیعیان را در بر می گیرد. رستاخیز، از لحظات اولیه نمایش، واکنش‌های مختلفی را به‌دنبال داشت که بیشتر آنها حول نمایش چهره حضرت ابوالفضل(ع) بود. هرچند سازندگان رستاخیز با تایید برخی مراجع عظام توانسته‌اند چهره حضرت ابوالفضل را در فیلم نشان دهند؛ اما پیش از این در سریال «مختارنامه» این اجازه به سازندگان آن سریال داده نشده بود. تهیه‌کننده «مختارنامه» با بیان اینکه از نمایش چهره آن حضرت در «رستاخیز» اطلاع داشته، به ایسنا گفت: «شاید به نمایش درآمدن چهره حضرت ابوالفضل(ع) در فیلم «رستاخیز» به این دلیل باشد که سینما بیننده‌های خاص خودش را دارد و محدودیت‌هایش نسبت به تلویزیون کمتر است.» قلاح سپس یادآور شد: «به یاد دارم در زمان پخش سریال «مختارنامه» حدود ۱۷ الی ۱۸ دقیقه‌ا صحنه‌های مربوط به چهره حضرت عباس(ع) را به دستور علما حذف کردند. در آن مقطع من به‌همراه آقای داوود میرباقری هرچه تلاش کردیم تا چهره ایشان پخش شود به نتیجه نرسیدیم و اعلام کردند که این پلان‌ها باید حذف شود. اما بازیگر نقش حضرت ابوالفضل(ع) در فیلم «رستاخیز» هم که در سالن جشنواره حضور داشت مورد توجه رسانه‌ها و عکاسان قرار گرفت. بهادر زمانی که اولین تجربه بازی‌اش را مقابل دوربین داشته،بع‌اد از نمایش فیلم در کاخ جشنواره به ایسنا، گفت: «همه ما علاقه ویژه‌ای نسبت به این شخصیت داریم و خوشحالم که این شانس را داشتیم که بتوانیم این نقش را بازی کنیم. تنها خواست خدا بود و اگر بعد از این هم هیچ فعالیت بازیگرهای نداشته باشم، همین برایم کافی است.» اما از این حواشی که بگذریم، عوامل رستاخیز دقیقی پس از نمایش در سالن سعیدی برج میلاد حضور یافتند و به سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند. احمدرضا درویش، کارگردان، در ابتدای نشست عنوان کرد: «تقریبا ۱۰ سال‌ای بود که چنین ضروری را در سینمای مطبوعات دیده بودم و شاید این نشست بهترین و جدی‌ترین نمایشی است که در برج میلاد در میان اهالی رسانه می‌بینم، رسانه، حلقه مهمی

از تولید هنری است و رسانه‌ها نقش مهمی در انتقال مفاهیم آثار تولیدشده دارند. شنیده بودم که کیفیت سالن برج میلاد از نظر تصویر و صدا خوب نیست، ولی به‌نظر من بسیار یادآور شد: «به یاد دارم در زمان پخش سریال «مختارنامه» حدود ۱۷ الی ۱۸ دقیقه‌ا صحنه‌های مربوط به چهره حضرت عباس(ع) را به دستور علما حذف کردند. در آن مقطع من به‌همراه آقای داوود میرباقری هرچه تلاش کردیم تا چهره ایشان پخش شود به نتیجه نرسیدیم و اعلام کردند که این پلان‌ها باید حذف شود. اما بازیگر نقش حضرت ابوالفضل(ع) در فیلم «رستاخیز» هم که در سالن جشنواره حضور داشت مورد توجه رسانه‌ها و عکاسان قرار گرفت. بهادر زمانی که اولین تجربه بازی‌اش را مقابل دوربین داشته،بع‌اد از نمایش فیلم در کاخ جشنواره به ایسنا، گفت: «همه ما علاقه ویژه‌ای نسبت به این شخصیت داریم و خوشحالم که این شانس را داشتیم که بتوانیم این نقش را بازی کنیم. تنها خواست خدا بود و اگر بعد از این هم هیچ فعالیت بازیگرهای نداشته باشم، همین برایم کافی است.» اما از این حواشی که بگذریم، عوامل رستاخیز دقیقی پس از نمایش در سالن سعیدی برج میلاد حضور یافتند و به سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند. احمدرضا درویش، کارگردان، در ابتدای نشست عنوان کرد: «تقریبا ۱۰ سال‌ای بود که چنین ضروری را در سینمای مطبوعات دیده بودم و شاید این نشست بهترین و جدی‌ترین نمایشی است که در برج میلاد در میان اهالی رسانه می‌بینم، رسانه، حلقه مهمی

با جشنواره فیلم فجر: پنجاه قدم آخر فیلمی محترمانه درباره جنگ

شود، درگیری ذهنی و روحی شدیدی برایش ایجاد می‌شود؛ ما در ادامه وارد عالم عاطفی و روحی او می‌شویم که به‌موازات نمایش تصاویر خشونت‌آمیز و دردناکی که از تبعات جنگ می‌بینیم، تأکیدی بر رویکرد صلح‌طلبانه و ضدجنگی است که محور فیلم را تشکیل می‌دهد. مثل رابطه عاشقانه‌ای که میان هرمز و دختر کرد شکل می گیرد یا حلقه‌ای که هرمز از دست جنازه سوخته یکی از سربازان درمی‌آورد، تپله‌هایی که همانجا روی زمین افتاده، آبی که با دست خونین به کودک می‌نوشاند و اشاراتی از این دست که در راستای برجسته‌کردن مضمون اصلی فیلم هستند. باوجود این، فیلم‌نامه پتانسیل‌هایی دارد که نیاز به پرداخت بیشتر دارد و اگر برخی نواقص برطرف می‌شد، با فیلمی خوش‌ساخت‌تر طرف می‌بودی.

به‌عنوان مثال باتوجه به اهمیتی که به مقوله عشق در فیلم داده شده، شاید بهتر بود رابطه‌ای که بین هرمز و دختر کرد با بازی طناز طباطبایی شکل می‌گیرد، عمق بیشتری پیدا می‌کرد تا برای مخاطب ملموس‌تر باشد. درواقع انتظار این بود که شکل‌گیری این عشق، طی فرآیندی هرچند کوتاه اما دلیلی و با جزئیات بیشتر نشان داده می‌شد. یا اینکه دختر ناگهان در جنگل پیدا و باهرمز روبه‌رو می‌شود تا حدی غیرمنتظره و غیرمنطقی است. از آن بدتر زمانی است که هرمز گلاب را به سگ می‌دهد تا آن را بو کند و بی کمک برود و پس از آن در مدت کوتاهی در حالی که تصویر اسلوموشن شده، سگ پیشاپیش آمیولاس و نیروهای کمکی که در جزیات بیشتر می‌تابند! این سکلس به‌قدری تصنعی، غیرواقعی و خنده‌دار بود که صدای خنده تماشاگران را هم بلند کرده بود و هرچه کردم متوجه علت این کار کارگردان نشدم. صرف‌نظر از برخی اشکالات، «پنجاه قدم آخر» فیلمی است که نگاهی محترم و انسانی و صلح‌طلبانه را درمورد جنگ مطرح می‌کند و در ضمن، خشونت، عمق زخم‌های ناشی از آن و آثار منفی‌اش را به بهترین شکل نمایش می‌دهد.

برای اولین بار چهره سینمایی حضرت ابوالفضل^(ع) روی پرده رفت

نمایش «رستاخیز» با پلان‌های جنجالی

فرانک آرتا



عکس: مهدی میرزاداد

کرد: «نمی‌توان تاریخ را نعل به‌نعل در دوساعت‌نویم روایت کرد. بعد از مراحل تحقیق چیزی که مهم بود این بود که رابطه منطقی‌ای میان تخیل، سینما و تاریخ بسازیم. ما می‌خواستیم روابط تاریخی را با ساختار دراماتیک فیلم بیان کنیم.» او ادامه داد: «یک فیلم درباره نهضت عاشورا ساخته شده است، توقع نیست که ما همه حرف‌ها را درباره واقعه عاشورا بزنیم. امیدوارم که راهی شود برای ساخت فیلم‌های دیگر در این‌باره.»

محمدحسین جعفریان، فیلمبردار این پروژه نیز درباره فیلمبرداری این کار توضیح داد: «در این فیلم قرار بود امکانات جدید فیلمبرداری توسط آقای قلی‌زاده، تهیه‌کننده، خریداری شود که بنا به دلایلی نشد. ما فیلم را با همان امکاناتی که در سینمای ایران وجود داشت، ساختیم. حتی امکاناتی که در سینمای ما الان هست در سال ۸۷ نبود. یکی از تلخ‌ترین خاطراتم در این فیلم این بود که یکی از اعضای گروه به نام محمد صاحبی از بالای دوربین افتاد و جاش را از دست داد.»

تقی علیقلی‌زاده، تهیه‌کننده فیلم هم درباره هزینه این فیلم گفت: «این فیلم همان‌طور که جعفریان گفت امکانات فوق‌العاده نداشت و تنها با عشق و علاقه گروه پیش رفت. شروع کار از بهمن ۸۸ بود که ۱۱ ماه فیلم‌رداری و یک‌ساعت‌نویم هم به‌ست پردوگان آن طول کشید. اما درباره هزینه که سوال شد، این سوال سر «وئال» هم تکرار شد، حق افکار عمومی این است که

درباره فیلم «قصه‌ها»

روایایی که به واقعیت پیوست

همراه با بعضی در گلو بود سهیم کنیم. می‌خواهم بدانید چه گرم و صمیمی بود حضور صابر ابر برای صحنه‌های خانه خورشید، چه مصمم و جدی بود نگاه امیر آبتابی به جزئیات لباس و صحنه. چه عشق و تعهدی بود در وجود تک‌تک عوامل، جقدر یکدیگر را دوست داشتیم در آن لحظات و چه حس اطمینانی همراهی‌مان می‌کرد؛ چون با دلمان و آنچه بامش صداقت است نگاه‌نی برای اعتماد را به تصویر می‌کشیدیم. شاید در تمام مدت ساخت «قصه‌ها» همه فقط در پناه رویاهایمان جلو می‌رفتیم. اکنون با خود فکر می‌کنم «ترنس‌ا‌ش بودیم. اما این بار در پناه فیلمی هستی که در همین روزهای اول جشنواره نشان داد مردم با سینما قهر نیستند و اگر دوری‌ای هم هست، مسوولش سینماگران نیستند. وقتی هم‌تیم‌گری روراست با خود و متعهد به جامعه امکان فعالیت پیدا می‌کند، مردم با آغوشی باز از اثرش استقبال کرده و زحمتش را پاس می‌دارند، چراکه حرف زمانه‌اش را می‌زند. روزی که برای بازی در «قصه‌ها» با من تمسب گرفته و شرایط تولید این اثر را توضیح دادند حس و حالی داشتم و بعضی در گلو که تا امروز نتوانستم برای خودم هم توصیفش کنم؛ غم بود؟ شادی بود؟ امید یا نگرانی؟ فکر می‌کنم انگیزه و امید بود. به باور من آنچه سینمای دهه ۶۰ را پرافتخار کرد انگیزه سینماگران بود برای خلق آثاری ماندگار با کمترین چشم‌داشت مالی و آنچه امروز شاید در فیلم‌ها کمتر نشانش را می‌بینیم انگیزه ماندگاری اثر است. «قصه‌ها» هنگام ساخت فضای سینمای دهه ۶۰ را برایم زنده می‌کرد. گروهی با دل و روحشان، بی‌هیچ چشم‌داشتی فقط برای سهیم‌بودن در خلق اثری ماندگار به رهبری رخشان بنی‌اعتماد که می‌شود تا همیشه به او اعتماد کرد جمع شدند. هیچ‌کس از سرنوشت فیلم و اتفاقاتی که ممکن بود هر آن در مسیر کار رخ‌دهد ناآگاه نبود

با این حال نمی‌دانستم این کار به سرانجام می‌رسد یا نه، روزی فیلم را خواهم دید یا نه، اما می‌دانستم و می‌دانستم که این کارگردان را تا به اینجا رسانده هنر و تعهدش بوده و مهم‌تر از آن در این روزگار، جلب اعتماد و همتش. می‌خواهم شما را در لذت حضور سر صحنه فیلمبرداری که



نمایی از فیلم «قصه‌ها» عکس: فیروز حاجتانی

پنجشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۲

زیر آسمان فیروزه‌ای

پایان فصل اول جشنواره فیلم فجر سیم‌رغ‌های بین‌الملل پر کشیدند

● شرق: با پایان بخش بین‌الملل سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر، نخستین سیم‌رغ‌های این دوره از جشنواره به شگانه‌های مهمانان اسکاری جشنواره نشست. شامگاه شب برفی ۱۵بهمن، هتل آزادی فرش قرمزش را برای شرکت‌کنندگان در بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر گسترده بود؛ شبی که فقط فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره نبودند که توانستند به عدالت، جوایزها را بین خود تقسیم کنند. فیلم «محمد (ص)» مجید مجیدی و ویتوریو استورلو فیلمبردار برنده اسکار این فیلم نیز یکی از ستارگان شب بین‌الملل سینمای ایران بود. در این مراسم علیرضا رضاداد دبیر سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر با بیان اینکه سینمای ایران علاقه‌مند به گسترش تمدن و فرهنگ خود در سراسر جهان و احترام به انسان‌ها و پاسخگویی به ندای درون و فطرت و گسترش عدالت و معنویت و پرهیز از خشونت است، افزود: «جشنواره فجر در جست‌وجوی آن است که بتواند راه را برای گسترش این فهم جدید از طریق فرهنگ و هنر هموار کند. لذا همه هنرمندان، متفکران و منتقدان را در سراسر جهان فرامی‌خواند، «حج‌الله ایوبی رییس سازمان سینمایی هم جشنوارها را فرصتی برای دیدار چهره‌به‌چهره و دورهم‌نشستن دانست و گفت: «از همه کسانی که موفق شدند، سیم‌رغ بگیرند و کسانی که سیم‌رغ نگرفتند، درخواست می‌کنم ایران را بهتر بشناسند و اگر منطق‌الطیر را خوانده‌اند، باز هم بخوانند، چون ایرانی‌ها در جست‌وجوی عدالت حاضرند سفرها کنند و به کوه قاف بروند تا خویشستن خویش را بیابند.» بخشی از مراسم اختتامیه بخش بین‌الملل جشنواره فیلم فجر در میهمان ویژه‌ای داشت. مجید مجیدی که چند سالی است درگیر ساخت فیلم «محمد (ص)» است؛ به همراه ویتوریو استورلو فیلمبردار این فیلم شرکت کرده بود به دعوت علیرضا شجاع‌نوری که مجری برنامه بود و در فیلم مجیدی نقش عبدالمطلب پدر بزرگ پیامبر اکرم را بازی می‌کند. روی صحنه آمد مجیدی که برای تجلیل از این فیلمبردار برنده اسکار روی صحنه رفته بود؛ او را اسنایی و آوا خواند و چنین توصیف کرد: «او تنها یک سینماوگراف نیست، بلکه یک فیلسوف، شاعر و نقاش است و از آن بزرگ‌تر، یک اسن



متعالی است.» مجیدی با اشاره به همکاری با استورلو گفت: «او پس از دریافت ایمیل من، باافاصله جواب داد و رزومه کاری‌اش را فرستاد و بعد در ایمیل دیگری که از او دریافت کردم، دیدم صفحه اول آن با نام الله است و من از این اتفاق شگفت‌زده شده بودم، مقدمات کار را فراهم کردم و به ایتالیا رفتم.» استورلو از اینکه به زبان فارسی نمی‌تواند صحبت کند عذرخواهی کرد و گفت: «در سن و سال من، اگر جایزه‌ای را می‌گیرید، برای کارهایی است که انجام داده‌اید، اما احساس می‌کنم که جایزه امشب، راهی را جلو می‌پای من باز می‌کند. در زندگی وقتی چیزی را عمیقاً ازرو می‌کنید، دیر یا زود به آن می‌رسید سه سال قبل در الجزایر مردم با فرامح کردم و که نیاز دارم فرهنگ آنها را بشناسم و یکسری کتاب درباره تاریخ اسلام و حضرت محمد (ص) بخوانم و احساس کردم نیاز دارم که این چیزهایی را که خواندم، به تصویر در بیاورم. وقتی کتاب‌ها و نوشته‌ها را روی میز کارم گذاشتم، صدایی از کمپیوتر آمد که صدای رسیدن دیر ایمیل بود و در آن ایمیل، مجید (مجیدی) از من پرسیده بود که حاضری در چنین پروژه‌ای کار کنی؟ من قبل از اینکه ایشان پیشنهاد بدهد، حاضر بودم.» اما استورلو تنها برنده اسکاری نبود که در این مراسم دست پر رفت. استفان واریک آهنگساز فیلم رستاخیز که برای آهنگ این فیلم سیم‌رغ بلورین دریافت کرد به زبان فارسی گفت: «من خوشحالم از کار با احمدرضا درویش؛ مرسی مردم.» اما این فیلم سیم‌رغ رستاخیز نبود که یکی از شانس‌های سیم‌رغ بلورین بهترین فیلم و بهترین کارگردانی در سودای سیم‌رغ است. احمدرضا درویش جایزه ویژه بریق طلایی (امضای عقدا)، ناصر ضمیری دیپلم افتخار ویژه هیات‌داران برای «با دیگران»، محمدمه‌دی سمرگپور سیم‌رغ بلورین بهترین فیلم آسیایی برای «مه‌هان داریم»، و ابراهیم حاتم‌کیا برای کارگردانی «با سربدها میر کرمی» جایزه ویژه بین‌الدیسان را دریافت کردند. در بخش کارگردانی هم هانی ابوالسد فلسطینی سیم‌رغ بلورین بهترین کارگردانی را برای فیلم «عصر» از آن خود کرد و دیپلم افتخار ویژه هیات‌داران به ناصر ضمیری نویسنده و کارگردان فیلم «با دیگران» اختصاص یافت. سیم‌رغ بلورین جایزه ویژه بین‌الملل هم به ابراهیم حاتم‌کیا برای نویسندگی و کارگردانی فیلم «آج» از ایران داده شد و «مارک بزی» برای تهیه‌کنندگی فیلم «چهار تازه» از هلند سیم‌رغ بلورین بهترین فیلم را دریافت کرد.

خبر

ورک‌شاپ داوران جشنواره تجسمی

● شرق: هفت هنرمند خارجی که در روزهای پایانی ششمین جشنواره تجسمی فجر به تهران می‌آیند، ورک‌شاپ برگزار می‌کنند و نشست‌هایی با حضور داوران خارجی در موزه هنرهای معاصر تهران و موسسه فرهنگی هنری صبا برگزار می‌شود. فلیپ تابورا و راجر ملوز برزیل، محی‌تین کوراوغلو از ترکیه، آجیم سولاج از البانی، لیز اندرسن از دالمارک و خاویر برموز از مکزیک و ژان گلمی از فرانسه از جمله داوران خارجی این دوره هستند که بعد از ورود به ایران برنامه ورک‌شاپ‌های آنها اعلام خواهد شد.